



سیستان پرورشگاه تمدن های قدیم:



از نگاه تاریخ تمدن ساحه فرهنگی سیستان که توسط رود هیلمند، و معاونینش، خاشرود، فراه رود و شاخه های دیگر رود هیلمند بنام های «رامرود» و «سنارود» آبیاری میگردید مانند حوزه ثقافتی باختر از عصر اوستایی تا ظهور دودمان مقتدر ساکه ها، در قرن اول میلادی تمدن خاصی داشت. حوزه فرهنگی سیستان زادگاه پهلوانان اوستایی افسانوی، چون گیو، افریدون، رستم، گرشاسپ و کک کهزاد و رزمجویان عشایر ساکه بود که قرار یافته های زبانشناسان اسم سیستان نیز ریشه یافته از نام ساکه هاست. در هنگام اقتدار ساکه ها، پهلوا ها و پارتیهای برخاسته از باختر در ساحه گسترده از کابل تا زرنج نشانه های مدنیتهی بجا مانده که آثار آنرا از پکتیا و زابل تا لشکرگاه، فراه و نیمروز میبینیم. درینگاه هنوز از دولت ساسانی های فارس خبری نبود و بخشهای عمده فارس یا ایران امروزی تحت تسلط پارتها و دولت سلوکی یونان قرار داشت. از سکه های باستانی این ساحه، از زمان حکمروایی ساکه ها تا عهد یفتلی ها پیداست که فرهنگ هلنستیک باختری درین حوزه فرهنگی نیز موجود بوده؛ زیرا مسکوکات شاهان فرمانروایان آن با رسم الخط یونانی و خط خروشتی باختری مزین میباشد. درنگایان، یا زرنج به اساس مندرجات اوستا چنانچه در وندیداد و پشت فروردین ذکر یافته از جمله ۱۶ شهر اصلی آریانا و بجه یا آریانا بود

تمدن ساکه ها و پارتها (پهلواها) از جلگه های شمال افغانستان تا اراضی جنوب هندوکش و کوه بابا پهن بود. ازینرو سکه های ایندوره حاکی از آمیزش عشایر ساکه و پهلوا با پکت هاست. چنانچه در سکه های شاهان ساکه کلمه **چیشتانانا** یا **خیشتانانا** CHASTANANA (خیشتنن) به معنی خداوند نگاشته شده؛ و پشت سکه ها با تصویر، ورونا الهه نور یا (رنا) در پشتو مزین است.

برخی از تاریخنگاران کلمه سیستان را بر گرفته شده از واژه سیستن نیز میدانند. درین تصویر در دست راست سکه آز یلاسس دوم شاه ساکه را میبینیم که در آن بر علاوه نام او کلمه سیشتانا دیده میشود. در روی دیگر این سکه که در زیر آن قرار دارد، تمثال ورونا الهه نوره مشاهده میرسد و کلمه «پسی» بمعنی پول در آن هویدا است. کلمه «پسه» در افغانستان تا حال مروج است.

سکه های دست چپ (تمثال بالائی) از شاهان یفتلی زابل به یادگار مانده که در ادوار پیش از اسلام میزیسته اند. اما در سکه (پایانی دست چپ) حروف عربی بچشم میخورد که مربوط به عصر اسلامیست و تداوم ارزشهای فرهنگی این ساحه را از دوره یفتلی ها (قرن پنجم میلادی) تا (سده های هشتم و نهم میلادی) بیان میدارد.



از سوی دیگر از آنجایی که جاده باستانی تجارت لاجورد از ناحیه سرسنگ بدخشان تا به وادی هیلمند میرسید و پس از عبور از بین سرزمین حاصلخیز از «شهر سوخته» در مرز کنونی افغانستان و ایران امروزی به شهر شوش، مرکز مدنیت عیلامی ره میافت و بالاخره به بین النهرین و مصر باستان وصل میگردد، نام زرنج تاریخی یعنی «درنگیانه»

«زرنگیانه» و تلفظ های مشابه به آن در کتیبه های عیلامیها، هخامنشیها و مصریان قدیم یاد شده است. درین رابطه میتوان از کتیبه مصری که باخط تصویری هروغلیف در دوره تسلط هخامنشیان بر مصر نقش یافته یاد کرد. نام زرنج درین متن باستانی به تلفظ Zranka «زرنکا» ذکر یافته است.

بابلیان قدیم زرنج را که در ادوار باستان شهر سرسبزی در جوار رود هلمند بود بنام «زر نکه» خوانده اند که ممکن است کلمه «زرغون» بمعنی سرسبز در زبان پشتو ریشه یافته ازین واژه باشد. تاریخنگاران یونان و روم باستان مانند هرودوت Herodotus ازساحه زیبا و سرسبز درنگیانه Drangiana ویا زرنگیانه Zarangiana در جوار رود هلمند یاد آور شده اند.

در آغاز ادوار اسلامی شهر زرنج مانند شهرهای باستانی دیگر که مثال آنرا در بلخ هم دیده میتوانیم از سه بخش، یعنی منطقه بالا حصار (کهندژ) منطقه داخل شهر که (اندرونیا شارستان) یاد میشد و شامل منازل رهاشی، دکانها و مساجد بود با دیوار های قطوری محافظت میگردد. منطقه (بیرون شهر) یا «ربض» بنا بر یاداشتهای مورخین ادوار اسلامیکه آنهم با خندق و دیوارهای دفاعی نگهبانی میشد، طرح عمومی شهر های قدیم خطه خراسان، بخصوص کشور ما بود. ربض در عربی معنای دیوار گرداگرد شهر را میدهد و همچنان به ساحه ای که در آن گوسپندان نگهداری میشد اطلاق میگردد.



نمایی از یک کاخ باستانی زرنج یا آریاسپه باستان

بنا بر یاد داشتهای تاریخنگاران آغاز ادوار اسلامی، چون طبری و مؤلف تاریخ سیستان در شهر زرنج باغها و خانه های شخصی توسط نهرهای که عموماً از رود هیلمند منبع میگرفت آبیاری میشد. مشهورترین این نهرها که نامشان در متون تاریخی یاد گردیده عبارت از «جوی کهنه»، «جوی در نو» و «جو در طعام» بودند. حوض های هم در داخل

شهر وجود داشت که بر زیبایی آن می افزود، بخصوص حوض بزرگی که در نزدیک مسجد جامع زرنج واقع بود و آب روان در آن جریان داشت گواه پیشرفت تمدن این شهر تاریخی بود.

هرچند از آغاز ادوار اسلامی نمونه های زیادی از آثار هنرهای تصویری و تجسمی بجا نمانده، اما آنچه از نگاه تاریخ ثقافت و فرهنگ قابل ارزش است نوشته هایی میباشد که در مورد شهرهای قدیم افغانستان معلومات ارزشمندی را در اختیار ما میگذارد. بطور مثال در (حدود العالم) به این معلومات برمیخوریم که نهایت دلچسپ است: "در سیستان قصبه که او را زرنج خوانند و

شهر او را پنج در است از آهن و ربض. او باره دارد و او را سیزده در است. هری شهری بزرگ است و شهرستان وی سخت استوار است و او را قهندژ است و ربض است. بلخ را شهرستانی است با باره محکم و اندر ربض او بازارهای بسیار است." و درین رابطه یکی از بنای های نهایت شکوهمند در زرنج قلعه فتح میباشد که بدان نظری می افکنیم.

آریاسپه نام کهن دیگرست برای این ساحه تاریخی که از زمرة ۱۶ شهر اوستایی آریانا و یجه بشمار میرود. در هنگام ورود اسکندر مقدونی بخاک آریانا دولت هخامنشی مضمحل گشته بود و از دولت ساسانی فارس که هفت قرن بعد پا بعرضه وجود گذاشت اثری نبود، بحواله پتالیمی یا بطلیموس سوتراول Ptolemy I Soter جنرال و همرباب اسکندر ساحه آباد و مرفه آریاسپه در جوار رود هیلمند فرهنگ و تمدن فرهیخته ای داشته که یونانیان سخت مجذوب آن گشته بودند. در دهه شصت در نتیجه کاوشهای باستانشناسی و تحقیقات گریشمن Ghrishman در ناحیه نادعلی، در ولایت نیمروز بقایای ابنیه باستانی ای کشف گردید که قدامت آن به هزاره دوم قبل از میلاد ، یعنی ۳۷۰۰ سال پیش میرسد و به گمان اغلب به عصر تمدن اوستایی متعلق میباشد.

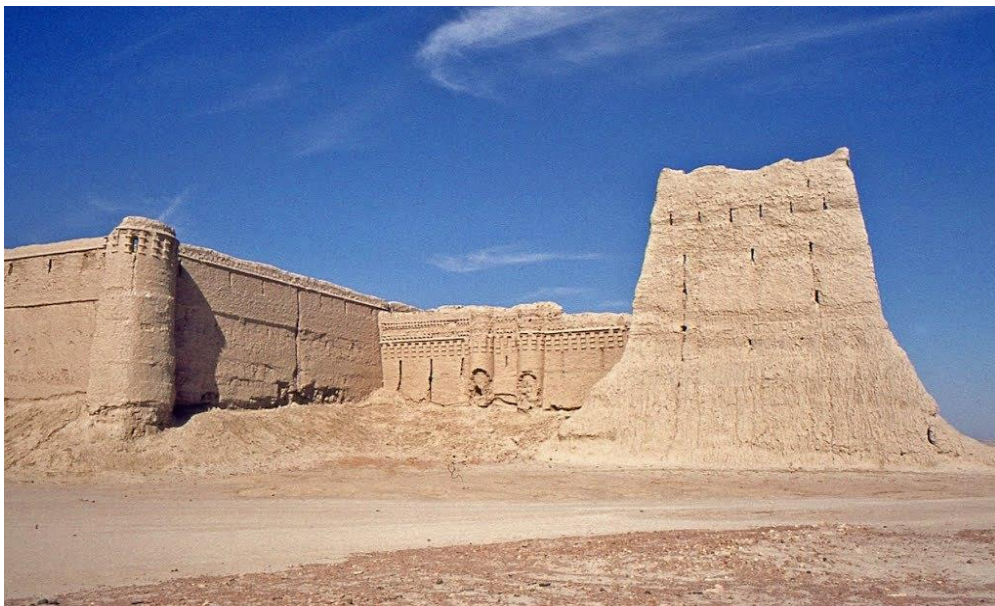
متأسفانه از دهه هفتاد به بعد حفاریات باستان شناسی دقیق در ساحه سیستان تاریخی شامل ولایت فراه نیمروز هیلمند و زابل صورت نگرفته تا معلومات دقیقتری در مورد ارائه گردد. لیکن چنانچه از قراین پیداست درین ساحه بنا های تاریخی زیادی وجود دارد که نمادی از یک تمدن از یاد رفته پارینه است. همچنان در ولایت فراه عمارات باستانی چندی بجا مانده و تاجایکه اسناد تاریخی در زمینه در دسترس است به شرح آن خواهیم پرداخت.



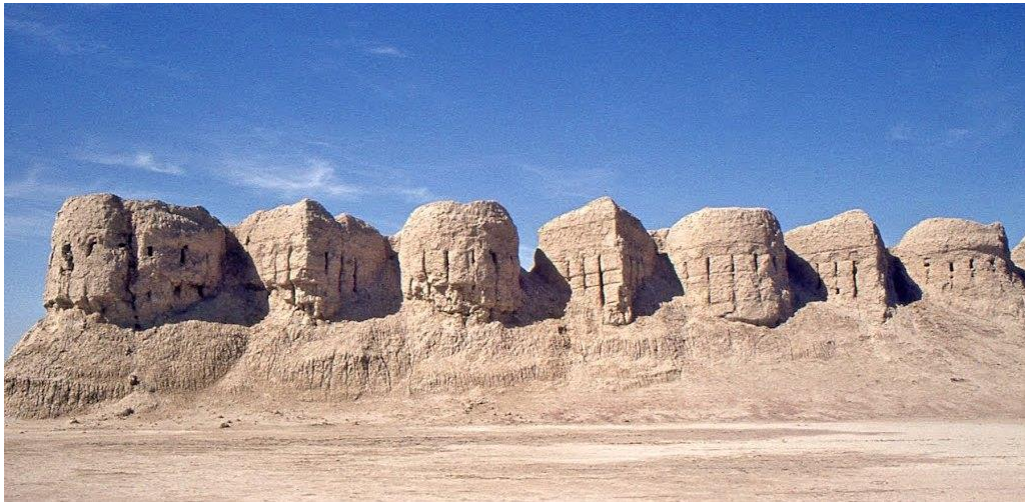
نیمروزنمایی از قلعه باعظمت چهل برج در ولایت



مخروبه های قلعه شوالها در نیمروز

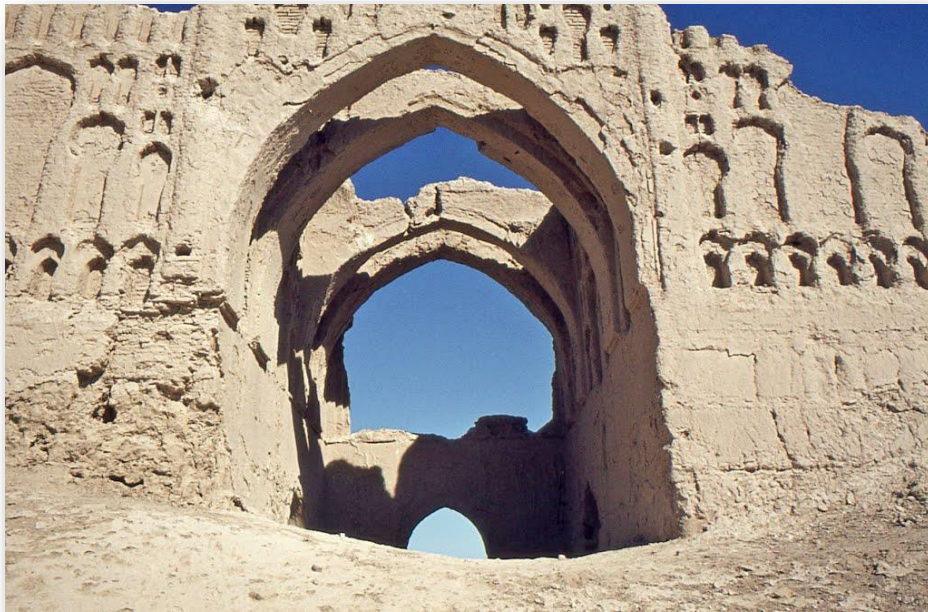


نوکین کلات (قلعه نو) در دشت امیران نیمروز



دژ بندی های قلعه چهل برج در دشت امیران (یا امیرمعن)

بدیهیست که تمام این دژ های باستانی نیاز به تحقیق بیشتر در پرتو حفاریات و کاوشهای علمی دارد، زیرا معلومات نهایت مهم تاریخی در قلب این بناهای کهن نهفته است که میتواند بسی اسرار نگفته تاریخی را هویدا سازد.



تزیینات سبک معماری حوزه جنوبغرب افغانستان در قرون وسطی

ادامه دارد